

سخنی کوتاه درباره‌ی ایران و جهان!

بیش از سی‌وسه سال از حاکمیت رژیم تا بن دندان مسلح، جنایتکار، خون‌خوار و ضد‌مردمی جمهوری اسلامی و به بیانی دیگر مهره‌های جدید امپریالیزم می‌گذرد. رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی از همان آغازین روزهای حاکمیت خود برای رسیدن اربابان امپریالیست‌اش به اهداف خود، از هیچ کوشش و جنایتی کوتاهی نکرده و نمی‌کند. قیام پرشکوه بهمن ماه ۵۷ خلق‌های ایران را با سرکوب و جنایت و نیرنگ به شکست کشانید. امپریالیست‌ها با گلوله‌ای که از گوادولوپ به تن خونین ایران شلیک کردند زخم عمیق بر تن وطن را عمیق‌تر و دلبران این سرزمین را توسط یکی از جنایتکارترین رژیم‌های تاریخ به خاک و خون کشیدند. آری رژیم ضد‌خلقی و وابسته‌ی جمهوری اسلامی که جای‌گزین رژیم مزدور و وابسته‌ی شاه خائن گردید، ماحصل و منتج از کنفرانس گوادولوپ است. کارتر، ژیسکاردستن، کالاهان و اشمیت این مهره‌های جانی سرمایه توسط امپریالیست‌های امریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان برای نجات سرمایه، این بار با تز جدیدی به نام "کمربند سبز" به میدان آمده بودند.

امپریالیزم و سرمایه همیشه از دین و مذهب برای به زنجیرکشیدن توده‌های زحمتکش استفاده می‌کنند ولی این بار با تز "سیا" ساخته‌ی "کمربند سبز" برای نجات نظام سرمایه‌داری وابسته از طوفان خشم خلق‌های ستم‌دیده‌ی ایران و برای جلوگیری و سرکوب مبارزات و جنبش‌های آزادی‌بخش خلق‌های جهان بیش‌ازپیش در راستای تأمین هر چه بیش‌تر منافع خود دست به دامان دین شدند. البته اگر در بین توده‌های ستم‌دیده و استثمارشده توسط دین اسلام اقدام به برنامه‌ریزی جهت هر چه بیش‌تر در کنترل داشتن قیام‌های استثمارشوندگان نمودند در میان توده‌های زحمتکش غیراسلامی هم دست به دامان مسیح شدند. آن‌ها نه تنها عکس "آقا" را در ماه به مردم ایران نشان می‌دادند! بلکه درصدد پیاده کردن پروژه‌ی دیگری در ایتالیا بودند. آری یکی از قاتلین و فاشیست‌های ترکیه به نام محمدعلی آغا با سناریوی جالبی! به جان پاپ ژان پل سوء قصد کرد! (البته با گلوله‌ی پلاستیکی) و ناگهان پاپ، این مزدور "سیا" به رهبری نجات‌بخش تبدیل شد؛ سازمان‌ها! و نهادهای اسلامی! و مزدورانی از این قماش یکی پس از دیگری مثل قارچ سربرآوردند و نهایتاً امپریالیزم چهره‌ی پلید، پلشت و خون‌بار خود را در ۱۱ سپتامبر بی‌پروا به نمایش گذاشت و هزاران انسان بی‌گناه را با عملیات طراحی شده توسط "سیا" و لابی قاتل خلق فلسطین و با فرمان‌دهی بوش جنایتکار زیر خاک مدفون کرد.

به هر حال امروز شاهدیم امپریالیزم توسط مزدوران خود (و خود) در افغانستان، پاکستان، ایران، عراق و ترکیه (اردوغان و نظام حاکم بر ترکیه سگ زنجیری امپریالیزم است و بس؛ او فقط کراوات دارد این مزدور فارغ‌التحصیل حوزه‌ی علمیه! است.) "کمربند سبز"ی را برای مهار و جلوگیری از انفجار "خاورمیانه" که رهائی این منطقه از سلطه‌ی امپریالیزم همانا گسترش جنبش‌های جهانی خواهد بود، به وجود آورده و در این راستا با به انحراف کشاندن قیام‌های خلق ستم‌دیده‌ی عرب و با نهادن نام انقلاب عربی، بهار عربی، بیداری اسلامی ... تلاش دارد تا هر چه می‌تواند "کمربند سبز" و به بیانی دیگر "کمربند ایمنی" خود را برای در امان ماندن از خیزش و جنبش‌های رهائی‌بخش هر چه بیش‌تر گسترش دهد؛ البته بگذریم از این که امروز رنگ سبزشان چنان رنگ باخته که مجبور شدند تا با نام‌گذاری جنبش قهرمانانه‌ی سال ۸۸ مردم دلیر ایران به نام "جنبش سبز" سعی کنند تا شاید کمربند رنگ باخته‌ی‌شان دوباره پر رنگ شود! امروز امپریالیزم به دلیل اوج‌گیری مبارزات مردم و نفرت روزافزون آنان از رژیم سرکوب‌گر و بحران سیاسی و اقتصادی موجود در نظام حاکم ضد‌خلقی تلاش دارد برای مهار جنبش و قیام توده‌های ستم‌دیده‌ی ایران، خود را ناجی و طرفدار مردم نشان دهد و با علم کردن مهره‌های دیگری از درون همین رژیم که داستان تمامی مزدوران آن به خون دلبران این سرزمین آغشته است بلکه بتواند موجی را که روزبه‌روز پروسه‌ی نابودی کل رژیم را طی می‌نماید به راه دیگری کانالیزه نماید.

امپریالیست‌ها خوب می‌دانند با کشور ماچه کرده‌اند! خوب می‌دانند که در گوادولوپ چه توافق خون‌باری را به امضا رساندند؛ کارتر جنایتکار حتمن به یاد دارد که گفت: "در ایران کاری کردیم که ایرانیان سال‌ها بعد خواهند فهمید" آنان با اعزام ژنرال هایزر این مردک دژخیم، این مزدور، به ایران و گرفتن ماشین سرکوب یعنی ستون فقرات نظام وابسته از رژیم شاه و تحویل آن به مزدوران جدید، آن چنان رژیم جنایتکاری را بر سرزمین‌مان حاکم نمودند که زبان از بیان تمامی جنایات آن قاصر است. قتل‌عام تابستان ۶۷ جهت حفظ جزیره‌ی ثبات رژیم مزدور شاه و هدیه‌ای برای آرامش خاطر اربابان امپریالیست بود.

امروز نه تنها رژیم سرمایه‌داری وابسته‌ی حاکم بر ایران، بلکه کل سیستم سرمایه‌داری جهانی در بحرانی عمیق فرورفته. بحران امروز عمیق‌تر و کشنده‌تر از بحران‌هایی است که منجر به جنگ جهانی اول و دوم شد؛ البته امروز دیگر امپریالیست‌ها نه باهم، که متحدان با خلق‌های جهان درجنگ‌اند و نیز نباید فراموش کرد که امپریالیست‌ها برای نجات از بحران که گریبان‌گیر همه‌ی آنان شده هر از گاهی برای نافع شدن بیش‌تر از غارت جهان با توسل به یک جنگ زرگری اختلافات خود را

پشت درهای بسته حل و متحدن و با "مجوز رسمی"! از نهادهای خود ساخته‌ی بین‌المللی! به لشگرکشی برای سرکوب، انحراف، کنترل قیام‌های مردمی و غارت خلق‌های جهان اقدام می‌نمایند. (به بیانی دیگر امپریالیست‌ها وسگ‌های زنجیری‌شان چه رژیم‌های وابسته و "بی‌ماسک" و چه رژیم‌های وابسته و فریب‌کار "با ماسک" در یک جبهه و کارگران و زحمت‌کشان و خلق‌های تحت‌ستم در جبهه‌ی دیگراند) و این جنگ و بحران موجود که روزه‌روز، ماه به ماه و سال به سال به عمق آن افزوده می‌شود، می‌رود تا نظام کثیف و خون‌خوار و ضدانسانی سرمایه‌داری را به گورستان تاریخ بسپارد و یقین این قرن، قرن رهائی خلق‌های جهان از زیر ستم و استثمار سرمایه خواهد بود.

البته نباید فراموش کرد امپریالیزم و نظام جهانی سرمایه همچنان با سرکوب و کشت‌و‌کشتار و با فریب‌کاری و نیرنگ تلاش دارند تا راهی برای نجات کشتی گرفتار در طوفان‌شان بیابند امروز سرمایه‌داری جهانی برای گمراهی و به بیراهه بردن و تغییر مسیر جنبش خلق‌های جهان تلاش بی‌وقفه‌ای را آغاز و اگر با کنفرانس گوادلوپ قیام پرشکوه خلق‌های ایران را به شکست کشانید و با نام انقلاب، انقلاب مردم ستم‌دیده‌ی ایران را با دست‌های کثیف دژخیمانی خون‌خوار به خاک و خون کشید امروز امپریالیزم از وحشت اوج‌گیری جنبش‌های رهائی‌بخش تلاش دارد با نهادن نام انقلاب مخملی، بنفش، سبز... و با ترغیب و دعوت از ستم‌دیده‌گان به پا خاسته به آرامش و دوری از خشم و خشونت و با مبارزات مدنی؟! به سوی دموکراسی؟! پیش روند. امپریالیست‌ها و سرمایه‌ی جهانی تلاش دارند تا خلق‌های به ستوه آمده از ظلم و ستم موجود را به آرامش دعوت، و با تغییر مهره‌های مزدور خود چند صباحی به عمر ننگین سرمایه در کشورهای به پا خاسته بیافزایند البته اسلام عزیزشان از نوع تندرو! میانه رو!... نیز از هیچ کمکی دریغ نمی‌ورزد این جنایت‌کاران مزدوران خود را در تونس، لیبی، یمن و مصر... با مزدوران جدید و با ماسک‌های دیگری با نام انقلاب به توده‌های ستم‌دیده تحمیل نمودند. حقیقت این است که امپریالیزم و سرمایه‌ی جهانی برای در امان نگهداشتن نظام ظالمانه‌ی موجود از قیام توده‌های به ستوه آمده از هر نوع فریب‌کاری و نیرنگ سود می‌جوید تا بدین ترتیب بتواند جنبش توده‌ها را در راستائی که منافع‌شان حکم می‌کند هدایت و به استثمار زحمت‌کشان تداوم بخشد.

با نگاهی گذرا به گذشته‌ی نه چندان دور می‌بینیم که چه‌طور کمک‌های مالی این جنایت‌کاران به مراکز مذهبی، آنان را به سوی سازمان‌دهی بهتر کانالیزه می‌کرد. در ترکیه که قسمتی از "کمر بند سبز" شان است درست در زمانی که شرایط را برای خمینی، این قاتل هزاران نفر از دلیران ایران زمین آماده می‌کردند تا به بهترین شکل قیام ستم‌دیده‌گان این مرزوبوم را سرکوب کند، حقوق و پاداش! آخوندهای حوزه‌های علمیه! ترکیه را شرکت "آرامکو" که متعلق به "سیا" و "عربستان" است، پرداخت می‌کرد.

سیاست و پروژه‌ی خطرناک و ضد مردمی دیگری هم که امپریالیست‌ها هم‌اکنون به پیش می‌برند نفوذ فریب‌کارانه در جنبش‌های مردمی است. اینان با نفوذ دادن مزدوران خود به درون حرکت‌های مردمی سعی بر آن دارند تا جنبش‌ها را آن‌چنان در کنترل خود داشته باشند که به محض احساس خطر برای نظام‌های وابسته‌ی‌شان همانند تونس، لیبی، مصر و سوریه. تاریخ مصرف رژیم جنایت‌کار سوریه همانند رژیم قذافی برای امپریالیست‌ها به اتمام رسیده است. تاریخ مصرف رژیم‌ها زمانی که توده‌ها قیام می‌کنند، برای امپریالیست‌ها جهت ادامه‌ی سلطه به شکل دیگر و با مزدورانی دیگر، به پایان می‌رسد. در حال حاضر که هر روز و هر ساعت کودکان و مردم ستم‌دیده‌ی سوریه بی‌رحمانه توسط رژیم جنایت‌کار اسد قتل‌عام می‌شوند و توده‌های زحمت‌کش سوریه خواهان سرنگونی رژیم ظلم و ستم هستند امپریالیست‌ها در پی یافتن مزدوران مناسبی که بتوانند موج خشم خلق را مهار کنند، هستند.

با انواع روش‌های ضد مردمی و نیرنگ، با نام انقلاب و یا با لشگرکشی مزدوران دیگری را بر مسند قدرت نشانند و در ایران هم ضمن تبلیغ و انتخاب گزینه‌ی بهتر، به بیانی دیگر ایجاد "آلترناتیو گوش به فرمان" و مزدور برای آینده که آرامش قبل از طوفان کنونی رژیم وابسته‌ی‌شان را به گورستان تاریخ خواهد سپرد، فعلن با "سربازان گمنام امام زمان!" فرمان "معاون امام زمان!" را در مورد سرکوب کوچک‌ترین اعتراض اجرا می‌کنند. (استفاده از دین و نفوذ در قیام خلق‌ها سیاست جدید امپریالیزم و سرمایه نیست ولی به خصوص در این سه دهه شدت بیش‌تری یافته است).

هم‌اکنون مثال بارز این سیاست ضد خلقی رژیم نفوذ در جنبش‌های ملی خلق‌های ایران به ویژه نفوذ در میان جنبش جوانان دلیر آذربایجان است رژیم به خوبی می‌داند که اگر بتواند آذربایجان، این سرزمین ستارخان‌ها، حیدر عمو اوغلوها، صمد‌ها... را از شورش دیگر خلق‌های ایران جدا و ترک را دشمن فارس کرد را دشمن ترک... نماید چند صباحی دیگر به عمر ننگین خود خواهد

افزود! حقیقت این است که با تاسف و تحسّر و تعمّق باید گفت به دلیل عدم وجود یک آلترناتیو انقلابی رژیم توانسته در مواقع ضروری از احساسات و اندیشه‌های ملی جوانان دلیر آذربایجان در راستای جلوگیری از به هم پیوستن سیل عظیم و خروشان خلق‌های ایران که یقین کاخ ستم‌گران را نابود خواهد کرد بهره‌ی لازم را ببرد. آری یکی دیگر از تلاش‌های امپریالیزم و رژیم وابسته‌ی جمهوری اسلامی سوءاستفاده از حقوق مسلم و ملی ولی سرکوب‌شده‌ی خلق‌های ایران توسط رژیم‌های ارتجاعی و رواج هر چه بیش‌تر افکار ناسیونالیستی ارتجاعی برای ایجاد دشمنی بین خلق‌هاست.

در این جا باید گفت با ایمان به این اصل که "حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلق‌هاست" این حق مسلم و انکارناپذیری است که هر خلقی ملتی باید سرنوشت خود را خود تعیین نماید خلق‌ها باید سرزمین و به بیانی دیگر زادگاه خود را به دست مردمان خود اداره کنند. هر خلقی حق دارد با آداب، اصول، زبان و فرهنگ ... خود زندگی کند و یا حتی می‌توان گفت حق استقلال و آزادی و داشتن تمامی ارکان یک نظام نیز حق مسلم هر ملتی است ولی این استقلال و نظام باید و باید با خواست، رای و انتخاب آزادانه‌ی آن خلق باشد نه از طریق امپریالیست‌ها که سناریوهائی هم‌اکنون درمورد خلق‌های منطقه داشته و درصدد اجراء آن‌ها هستند امروز گزینه‌ی اول امپریالیست‌ها برای اجراء این پروژه‌ها خلق قهرمان کرد و ایجاد کشوری کاملن وابسته (با حاکمیت مزدوران منتخب امپریالیزم) متشکل از کردستان عراق ترکیه، سوریه و ایران است. داشتن چنین افکار و حرکت در جهت این سناریو و هدف امپریالیست‌ها از طرف هر فرد و هر گروه و سازمان سیاسی، خدمت به امپریالیزم و تداوم استثمار و بندگی خلق‌هاست و اندیشه‌ای ارتجاعی ناسیونالیستی و ضدخلقی است این خطر برای تمامی خلق‌های ایران و منطقه است.

در مورد ایران می‌توان گفت تفکر و دیدگاهی که در راستای منافع و رهائی خلق‌ها می‌باشد این است که بدون اتحاد و نبرد علیه امپریالیزم و سگ زنجیری‌اش رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی و سرنگونی رژیم، سخن گفتن از آزادی و نابودی هر گونه ستم سخنی بیهوده و جدا کردن مبارزات خلق‌های ایران از هم آب به آسیاب رژیم ریختن برای ادامه‌ی سلطه‌اش و تضمین و تداوم فقر و استثمار و ظلم و نیز تداوم ستم ملی است. حقیقت این است که تنها راه انقلابی برای خلقی یا ملتی که خواهان جدائی از دیگر خلق‌های ایران باشد این است که بعد از سرنگونی رژیم و رهائی از سلطه‌ی امپریالیست‌ها و استقرار و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق‌های ایران به رهبری طبقه‌ی کارگر و پس از ارتقاء آگاهی تمامی توده‌های آزاد شده از ستم طبقاتی نظام‌های وابسته و فاشیستی با رفراندومی آزاد و دموکراتیک پاسخ تمایلات آنان که جدا زیستن و یا متحد بودن ترجیح‌شان است، آشکار می‌شود. بایستی ضمن افشاء چهره‌ی کریه و اهداف ضد مردمی رژیم، بر این باور بود که تنها راه رهائی از ظلم و استثمار و فقر و نابودی هر گونه ستم و دیکتاتوری و هر گونه برتری انسان‌ها و برتری مردمی بر مردم دیگر و رسیدن خلق‌ها به آزادی و برابری و حقوق یکسان تنها و تنها در گرو اتحاد و مبارزه بر علیه حاکمیت ضد مردمی و سرنگونی آن است و سرنگونی رژیم فقط با سازمان‌دهی توده‌های زحمتکش و ستم‌دیده با نبردی قهرآمیز توسط آلترناتیوی انقلابی نه آلترناتیوهای ساخته و پرداخته و گوش به فرمان امپریالیست‌ها که به ویژه پس از اوج‌گیری جنبش توده‌های قهرمان امپریالیزم تلاش دارد تا مزدوران دیگری را به خلق‌های ایران تحمیل نماید، میسر خواهد شد.

حقیقت این است که رژیم حاکم بر ایران چه در زمان مزدور قبلی و چه هم‌اکنون، رژیمی وابسته به امپریالیزم و سرمایه‌داری جهانی است و دیکتاتوری خشن لازمه و جزء لاینفک نظام بوده و می‌باشد کوچک‌ترین صدای آزادی‌خواهی و حق‌طلبی با گلوله پاسخ داده می‌شود و بدین گونه است که جواب سرکوب و قهر ضد انقلابی رژیم را باید و باید با قهر انقلابی پاسخ داد.

فرصت‌طلبان، خیانت‌کاران، سوپاپ اطمینان‌های رژیم و در یک کلام دشمنان مردم ایران و افراد و گروه‌هایی که خواسته و ناخواسته در خدمت رژیم و اربابان امپریالیست‌اش هستند تلاش می‌کنند تا شاید بتوانند قیام قهرآمیز خلق‌های ایران را که یقین درآینده‌ی نه چندان دور شاهد آن خواهیم بود به بیراهه کشانده و با تغییرچند مزدوربه حیات این رژیم که تا به امروز هیچ رژیمی به اندازه‌ی این رژیم به امپریالیست‌ها خدمت نموده، تداوم بخشند. (تمامی امپریالیست‌ها، امریکا، چین، روسیه، انگلیس ... زیرسایه‌ی رژیم "اسلام ناب محمدی" از خدمات این جانیان منتفع و پروژه‌های ضدخلق خود را در منطقه پیش برده و با یاری همین رژیم، امپریالیست‌ها به اهداف شوم و ضدخلق خود در منطقه رسیده و با فریبکاری قیام خلق‌ها را در راستای منافع خود کانالیزه کرده و می‌کنند.

درمورد روابط پنهان و آشکار این رژیم فریبکار جانی نیز دیگر نیازی به بیان کمک‌های تسلیحاتی دوران جنگ ارتجاعی حتی توسط رژیم جنایتکار اسرائیل جریان مضحک گروگان‌گیری دیدارهای سولیوان مزدور با سرمهره‌های جدید آمدن مک فارلین ماجرای کتتراها ... نیست چون غیر از دشمنان خلق و خیانتکاران به خلق که نمی‌توانند و نمی‌خواهند حقائق را بر زبان آورند، دوستان خلق بر این‌ها و صدها رسوائی دیگر رژیم واقفاند.)

خلاصه این که با وجود قیام پرشکوه بهمن ماه ۵۷ و سرنگونی شاه جانی و مزدور، رژیم و نظام اقتصادی حاکم بر ایران همانا سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیزم بوده و هم‌اکنون نیز به استثمارتوده‌های زحمتکش و مردم ستم‌دیده‌ی ایران ادامه می‌دهد و حافظ و ستون فقرات آن ماشین سرکوب یعنی نیروهای مسلح رژیم (ارتش، سپاه ...) است و تنها راه رسیدن به آزادی و حاکمیت دموکراسی و سرزمینی آباد و عاری از فقر ظلم، ستم و جهالت، نبرد برای سرنگونی رژیم که تمامی سیستم حاکم و در راس آن انهدام ماشین سرکوب را هدف گیرد، می‌باشد.

البته باید بر این اصل اساسی تاکید کرد که مبارزه علیه رژیم وابسته جدا از مبارزه بر علیه هر گونه وابسته‌گی و به بیانی دیگر جدا از مبارزه علیه امپریالیزم نیست و سرنگونی رژیم و نابودی سلطه‌ی امپریالیزم جزء لاینفک یکدیگرند.

مرگ بر امپریالیزم و سگ‌های زنجیری‌اش

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی

برقرارباد جمهوری دموکراتیک خلق‌های ایران به رهبری طبقه‌ی کارگر

هما (هوادر مسعود احمدزاده)

تابستان ۹۱

مندرج در نشریه‌ی پیام سیاهکل، ارگان سازمان ۱۹ بهمن، شماره‌های ۱۳ و ۱۴

بازگشت